

## عنوان مقاله:

فلسفه: بازنگری فهم عرفی (گزارشی از رای مور در باب ماهیت فلسفه)

## محل انتشار:

فصلنامه علمی پژوهشی متین (امام خمینی و انقلاب اسلامی)، دوره 4، شماره 14 (سال: 1381)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسنده:

مصطفی ملکیان - استاد حوزه و دانشگاه

## خلاصه مقاله:

چکیده: آنچه در پی می آید، بیشتر، گزارشی است از رای جرج ادوارد مور<sup>[۲]</sup> فیلسوف معروف انگلیسی (۱۸۷۳-۱۹۵۸)، در باب ماهیت فلسفه. این گزارش، عمدتاً، مبتنی است بر فصل اول کتاب وی: *Some Main Problems of Philosophy* (= پاره ای از مسائل عمده فلسفه) با عنوان *What is Philosophy?* (= فلسفه چیست؟). فلسفه مور، که گاهی با عنوان «واقعگرایی موافق فهم عرفی» وصف می شود، بر دو نکته عمده استوار است: یکی اینکه ایدئلیزم نادرست و ارکان نظریه رئالیزم فلسفی قابل دفاع است. چرا که تحلیل فعل دانستن هم مستلزم یک فعل ذهنی و نفسانی است و هم مستلزم یک متعلق علم که مستقل از آن فعل است؛ و دیگر اینکه آدمی از بسیاری از حقایق آگاه است که نمی تواند از آنها «تحلیل صحیح» ارائه کند؛ آدمی حتی نمی تواند از شیوه ارائه «تحلیل صحیح» نیز تحلیل صحیحی ارائه کند. خلاصه ماشینی: "درباره این نمودهای اشیاء مادی دو نظر وجود دارند که فهم عرفی میان آنها ترجیحی قائل نیست و، بنابراین، می توان به هریک از آنها قائل بود و، در عین حال، با فهم عرفی نیز سازگاری کامل داشت: نظر اول این است که لااقل پاره ای از این نمودها واقعا از اجزاء سطوح اشیائی اند که نمودهای مذکور نمود آن اشیائند، یعنی لااقل پاره ای از این نمودها واقعا در فضا واقعند و حتی وقتی که ما انسانها از آنها هیچ آگاهی ای نداریم باز واقعا وجودشان استمرار خواهد داشت. و اما نظرانی که با فهم عرفی فقط با انکار وجود فضا و اشیاء مادی مخالفت نمی ورزند، بلکه قاطعانه وجود زمان و افعال آگاهانه خود ما را نیز انکار می کنند؛ آنچه این نظرات اظهار می دارند این است که همه این چهار نوع چیز، یعنی اشیاء مادی، فضا، افعال آگاهانه خود ما، و زمان، نمودند، نمود چیزی دیگر، و آن چیز دیگر یک چیز واحد است یا مجموعه ای از چیزها ولی، در هر حال، نه یک شیء مادی است، نه یکی از افعال آگاهانه خود ما، و نه در فضا واقع است، نه در زمان. به عبارت دیگر، ما، در زندگی متعارف همواره این فرض را داریم که فقط تعداد محدودی از شیوه ها وجود دارند که با آنها کسب معرفت واقعی به انواع خاصی از واقعیتها ممکن است و اگر کسی در باب عالم واقع رایی اظهار کند که با استفاده از هیچ یک از آن شیوه ها به دست نیآورده است، در این صورت، در واقع، به واقعیت ادعایی اش علم ندارد.

## کلمات کلیدی:

فهم عرفی، فلسفه، ذهن، واقع

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1933580>

